

نوشته حجة الاسلام والمسلمين

آقای سید ابوالفضل موسوی زنجانی

# منع تعدد زوجات

یا

## جنگ با طبیعت

غریزه جنسی اجتناب پذیر نیست - تعدیل  
و تنظیم غریزه جنسی - آثار شوم اختلاط نامحدود  
زن و مرد - تناسب وظیفه با خلقت - تفاوت استعداد  
تولید مرد و زن - عواملی که دامنه اختلاف را وسیع  
تر میکند - تعدد زوجات یا حافظ توازن و تعادل -  
ملل و شرایع گذشته و تعدد زوجات - منع تعدد ازواج  
در اروپا و رسوائیهای آن - يك داستان از آثار  
منع تعدد ازواج - زنگهای خطر - نمونه اعترافات  
اروپا بیان - قضاوت گوستا و لوبون فرانسوی -  
شرایط تعدد زوجات - حکمت تشریح مومه

غریزه جنسی اجتناب پذیر نیست

چنانکه خاصیت تغذی مایه حیات فرد میباشد غریزه جنسی

نیز وسیلهٔ بقاء نوع بوده و از فعالترین غرائز بشری بشمار میرود و بدون آن حیات از عرصهٔ زمین برچیده شده و نسل بشر معدوم میگردد لذا نا موس خلقت، این نیرو را آنچنان فشار ساخته است که افراد بشر خواه ناخواه تحت تأثیر و تسخیر آن قرار گرفته اند، بنحوی که اگر احياناً اشخاصی بر خویشتن فشار آورده و بتوانند زمان ممتدی در برابر آن مقاومت بنمایند بشرحی که علم طب و روانشناسی ثابت کرده است دچار بیماری های جسمی و عقده های روحی و اختلالات عصبی میشوند.

بطوریکه در مقالات سابقه اشاره کرده ایم شریعت آسمانی اسلام آئین زندگی بوده و بر مبنای حقائق و واقعیات استوار گشته است و بادر نظر داشتن طبائع اشخاص و خواص اشیاء که يك امر ثابت و سنت لایتغیر میباشد و در همه جا و در هر زمان در عصر حجر و در قرن اتم بطوریکه نواخت در جریان است، مقرر است و نظاماتی وضع نموده است و مانند مدینهٔ فاضلهٔ افلاطون يك تئوری خیالی و غیر قابل تطبیق بحیات بشری نیست، و سرخاتمیت و جهانی و جاودانی بودن آن نیز در همین نکته خلاصه میشود.

بدین جهت غریزهٔ جنسی را بعنوان يك واقعیت و حاجت مبرم بحساب آورده و مقدم بر همهٔ غرائز بشری بدان اعتراف نموده است، زین للمناس حب الشهوات من النساء و البنین (۱) و آنرا مطلقاً، امری

(۱) سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۵: لذت زن و فرزند در دل مردم، جلوه

داده شده است و فطرتاً آنرا دوست دارند

اجتناب پذیر نشمرده است زیرا اصولاً تشریح ، خود مرحله ای از تکوین بوده و مکمل آن است و یک نیروی فعال و طبیعی که باقتضای ناموس خلقت ، در موجودی تعبیه و ترکیب شده است قابل جلو گیری و تعطیل بطور مطلق نبوده و تنها در خور تعدیل می باشد .

و حتی برخلاف آئین رهبانیت ، تمایلات جنسی را مذموم و نفرت انگیز معرفی نکرده و از نظر دور نداشته است ، که نکوهش از یک حاجت مبرم و طبیعی ؛ جز ایجاد عکس العمل شدید و کشاندن بعصیان و یا تولید عقده های نفسانی و اختلال روحی و عصبی نتیجه دیگری ببار نیامد و این معنی از ذیل آیه مربوط با مساک و روزه داری بوضوح استفاده میشود

احل لكم ليله الصيام الرفث الی نعانكم هن لباس لكم وانتم لباس  
لهن علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفی عنکم فالان  
باشروهن وابتغوا ما كتب الله لکم (۱)

و همچنین حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث مشهور «حبیب الی من دنیا کم الطیب والنساء» و جعلت قره عینی فی الصلاة (۲) آمیزش

(۱) بشما اجازه داده شد ، در شهبای ماه رمضان ، با همسران خود آمیزش کنید ، آنها و شما بمنزله لباس تن یکدیگر بوده و از هم جدا نمیباشید ، خدا میداند اگر شما را از این عمل منع میکرد ، نفس شما بر شما غلبه مینمود و بخیانت و گناه و ادا میشدید ، لذا شما را معاف داشته و آزاد گذاشت تا با آنها آمیزش کنید و در طلب آن باشید که قلم تقدیر برای شما نوشته  
سوره بقره آیه ۱۸۷

(۲) از لذا من دنیا شما ، بوی خوش و معاشرت زنان را دوست میدارم و روشنی چشم همانا در قیام بنماز و پرستش خدا میباشد

جنسی را مانند بوی خوش يك امر محبوب و جالب توصیف کرده و آن را منافی با کمال انسانی ندانسته است و بدین مناسبت آنرا در ردیف نماز که وسیله آرامش دل و تسامی روح انسان است، آورده و اساساً رهبانیت را که برخلاف طبع و فطرت بشری است نکوهش کرده است و بکلی در محیط شریعت اسلام طرد نموده. **لارهه بانیه فی الاسلام (۱)**

### تنظیم و تعدیل غریزه جنسی

عمل جنسی در حیوانات بطور کلی بوسیله غریزه دیگری تنظیم و تعدیل میشود و در موقع معین و فصل مخصوص، هیجانی در نر و ماده پدید میآید و کار تلقیح صورت میگیرد و همینکه نتیجه طبیعی یعنی بذر افشانی نسل جدید حاصل شد دیگر رغبتی به تجدید و تکرار باقی نمی ماند و تا موسم بعدی بآرامش میگرایند و نیروی ذخیره همچنان محفوظ مانده و در غیر مورد تلقیح و تولید آنرا بکار نمیبرند. ●

اما در نوع بشر، قضیه صورت دیگری پیدا میکند و چنانکه در مقاله ای تحت عنوان (حریت در نظر اسلام سالانه سوم مکتب تشیع) مستدل نمودیم؛ موهبت تعقل و درک اشیاء و همچنین اراده و اختیار از امتیازات انسان بوده و همراه با حس مسئولیت میباشد و خود او موظف است همه این مواهب را هم آهنگ ساخته و در کلیه شئون حیات آنرا بکار اندازد و حیات حقیقی و سعادت واقعی نیز که هدف اساسی خلقت نوع بشر است، جز با ایجاد توازن در میان تمایلات و خواسته های روحی و طبائع مادی و احتیاجات جسمانی؛ امکان پذیر نمیتواند

بود فلذا عمل تنظیم و تعدیل قوای متباین و کشش‌های مختلف ، بعهده خود او موکول گردیده است و میباید با اراده مستقل ناشی از درک و شعور ، بدان قیام بنماید .

در مورد بحث نیز تنها در حدود لازم و غیر مضر و بارعایت موازین اخلاقی و شرعی میتوان اندازه نیروی جنسی استفاده کند .

لازم ، از این جهت که استمرار حیات و بقاء نسل و عمر آن زمین موقوف باستعمال این نیرو است و غیر مضر ؛ از این نظر که افراط در آن مؤدی بانهدام قوای جسمانی و عصبی افراد میگردد ، و رعایت موازین بدین سبب است که تا محدودیت آن منجر باختلال نظام اجتماعی و فساد و زیان‌های مادی و معنوی میشود ، چنانکه در همه مشتهیات و تمایلات نفسانی که با قضاای مصالح حکیمانه در طبیعت بشر بودیعت گذاشته شده است حال بدین منوال میباشد ، و خلاصه آنکه انجام دادن يك وظيفه حیوی و طبیعی نباید بصورت شهوت رانی و بی بندوباری درآید .

دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### آثار شوم اختلاط نامحدود زن و مرد

بدانسان که از مدت‌ها پیش جزء تمدن رسوا، دردنیای مغرب زمین متداول گشته و اختلاط نامحدود و انواع آرایش و پلیدی‌های جنسی را بی‌پروا تحت عنوان (مقتضیات طبیعی) مباح و مجاز شمرده و عواقب مخرب آنرا از نظر دور داشته‌اند و نزدیک است جوامع بشری را بورطه سقوط و انقراض بکشاند .

و امروز که عقلای قوم دردنیای غرب بخطررات منهدم کننده

آن متوجه شده و بفکر چاره جوئی افتاده‌اند و تئوریهای مختلف و از آنجمله محدود ساختن اختلاط و تعدد زوجات را بررسی مینمایند تا مگر راه حل صحیحی پیدا کرده و از این مفاسد روزافزون جلوگیری کنند، لگام گسیخته گان تازه نفس شرق، وارد میدان شده‌اند، بترویج جنون جنسی پرداخته و با وسائل گوناگون و کمراه کننده، نسل جدید را بدان تشویق مینمایند و تعالیم اسلام را در مورد حفظ عفت عمومی بپا میسخرند.

آری شریعت اسلام بمنظور جلوگیری از طغیان شهوت جنسی و خطرات ناشی از آن، اختلاط بدون قید و شرط زن و مرد، خلوت با نامحرم، خود آرائی و خودنمایی زن در ملاء عام، دلربائی در گفت و شنود و بالاخره کلیه گفتار و رفتار شهوت انگیز و تحریک آمیز را ممنوع ساخته و نخواستار است بشر بصورت مسخ شده در آمده و از مرتبه جوانی هم تنزل کند

و قرن فی بئوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى ( ۱ ) ولا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفاً ( ۲ )

و همچنین عمل فحشا را بهر دو صورت عمومی و اختصاصی در ردیف جرائم کبیره، مانند شرک بخدا و قتل نفس قرار داده و کیفرهای شدیدی جهت آن مقرر داشته است.

( ۱ ) در خانه‌های خودتان قرار بگیرید و مانند دوران جاهلیت، با خود

آرائی در میان مردم ظاهر نشوید. سوره احزاب آیه ۳۴.

( ۲ ) بادلربائی سخن نگویید مبادا مردمان سیه دل تحریک شوند،

بلکه باهمه بطور متعارف صحبت کنید. سوره احزاب آیه ۳۳.

و شریف ترین و انسانی ترین رابطه میان مرد و زن را که مکمل وجود یکدیگرند و از همدیگر بی نیاز نمیتوانند بود همانا ازدواج مشروع بمعنی اعم و شامل آن، (نکاح دائم و نکاح منقطع) (۱) دانسته و آن را یگانه و سیله و راه حل مشکل جنسی شناخت است تا وظیفه مقدس تشکیل عائله و تولید نسل در فضای پاک و منزله انجام پذیرفته و عمل طبیعی زیر پرده عفت و تقوی صورت بگیرد.

و جعل لكم من انفسكم ازواجاً وجعل لكم من ازواجکم بنین  
و حفدة و رر قکم من الطیبات . . . (۲)

و در شرائط مخصوص بشری که توضیح داده خواهد شد تعدد زوجات را برای مردان مجاز شمرده است و نیز باصل ازدواج و تسهیل و تسریع در آن ترغیب فراوان نموده و از بالا بردن میزان مهر و تکلیفات و تشریفات دیگر که موجب ترک ازدواج و یا تأخیر در آن میگردد سخت نکوهش کرده است.

و بحکم اصل تکافل و تضامن اجتماعی؛ جامعه مسلمین را مسئول حفظ عفت عمومی شناخته و موظف ساخته است که در امر ازدواج افراد مستعد و نیازمند اقدام و کوشش بنمایند و هر فرد مسلمان را کفو و همطر از فرد دیگر بشناسند و فاصله موهوم طبقاتی و کمی مال و سرمایه را بهانه فرار از زیر

(۱) نکاح تحلیل و ملک یمین چون موضوعاً از میان رفته است در اینجا ذکر نشده .

(۲) خدا از جنس خودتان برای شما همسران و از همسران شما برایتان فرزندان قرار داده و از چیزهای پاک و بی شمار و زی داده است - سوره نحل آیه ۷۳ .

بار تکلیف اجتماعی قرار ندهند، زیرا خطرات آزاد گذاشتن جوانان و بی اعتنائی بنیاز مندی طبیعی آنان متوجه جامعه میگردود. هر اسقوط میکشاند و الکهو الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و اما انکم ان یکنو نوافقراء یغنیهم الله من فضله و الله واسع علیم (۱)

وظائف مرد و زن باید با خلقت آنها مناسب باشد

باید دانست زن و مرد در عین حالی که در اصل غریزه جنسی اشتراک داشته و هر دو تحت فشار و تأثیر نافذ آن قرار گرفته اند در کیفیت بشمر رساندن آن با همدیگر تفاوت دارند و عامل حیات مطابق نقشی که بر عهده آنان محول نموده است بهر یک از آنها خاصیت جداگانه ای بخشیده و از حیث ترکیب اعضاء و جهازات غدیدی و عصبی و از حیث احساسات درونی و روانی بنحوی ممتاز ساخته است و چنانکه مشهود است مردها برای عمل جنسی مستعدتر از زنان بوده و این نیز در آنها سرشار میباشود در عین حال وقت بیشتری از آنها نگرفته و برای کسب معاش و مبارزه در میدان حیات فرصت کافی دارند و این خود بتناسب قدرت جسمی و عقلی و عصبی آنهاست، برعکس زنان که در استعداد ضعیف بوده و قسمت عمده او قاتشان مصروف بعواقب کار؛ مانند حمل و وضع و رضاع و تربیت نسل میگردود و برای تناسب با این وظیفه حیوی دامنهدار، بصبوری و پیر حوصلگی

(۱) سوره نور آیه ۳۳: کسانی را از خودتان که همسری ندارند، بازواج یکدیگر در آورید و همچنان از میان بردگان اعم از زن و مرد هر کدام مهتد و صالح برای نکاح بوده باشند و اگر تهیدست باشند، خدا وسیله استغناء آنها را فراهم میسازد.



و همچنین بعواطف رقیقه بشری ممتاز گشته اند و بشیوهٔ تجاهل و تبانی نمیتوان از این واقعیت مسلم چشم پوشی کرد، زیرا نتیجهٔ عمل جنسی در خارج از وجود مرد و لکن در داخل وجود زن تکوین و تکامل و پرورش مییابد، و تماس جنسی از جنبهٔ طبیعی (نه اجتماعی) اگر نسبت به مرد پایان کار بشمار میرود و با آزاد ساختن نیروی ذخیره، خویشتمن را از فشار آن خلاص میکند، در مورد زن ابتداء کار و اول گرفتاری بوده و دامنهٔ آن تا مرحله‌های زیادی کشیده میشود و مییابد (و میتواند) آلام بار داری و وضع حمل و محنت پرستاری و شیر دادن را تحمل کند، چنانکه قرآن مجید بدین حقیقت اشاره فرموده است:

حملهٔ امه و هنتا علی و هن و فصاله فی عامین (۱) و بار دیگر فرماید

حملهٔ امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا (۲)

و از این جهت علاقه و احساس زن بموضوع جنسی عمیق تر از مرد میباشد، تا آنکه بتواند بدین همه رنج و محنت تن در بدهد چنانکه در بعضی احادیث وارد شده از ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم است، حساسیت زن در این مورد بمقیاس نه بزرگ نسبت به مرد، اندازه گیری شده است و واضح است که این مقایسه از جهت استعداد و کمیت آن نمیتواند بود، بلکه

---

(۱) مادرش باضعف روز افزون و طاقت فرسا او را در رحم خود حمل کرده و دو سال در پرورش شیر دادن اوسپری ساخت. سورهٔ لقمان آیه ۱۵

(۲) مادرش باچه مشقت او را حمل کرد و باچه درد ورنجی وضع حمل نمود و حد اقل سی ماه در محنت آبستنی و شیر دادن بسر برد

سوره احقاف آیه ۱۶

ناظر بکیفیت و عمق آن میباشد و این معنی قابل تردید و انکار نیست  
 اهل فن و علماء زیست شناسی گفته اند عدد جنس نر در حیوانات بطور  
 کلی از جنس ماده کمتر است و علت آن در بعضی انواع حیوان کم  
 طاقتی جنس نر، و در اغلب انواع، جنگ و مبارزه ایست که میان افراد  
 نر، بر سر تصاحب و استیلاء بر جنس ماده، در میگیرد و تعداد زیادی از  
 آنها از بین میروند و اگر جنس نر کور استعداد بیشتری در  
 فعالیت جنسی نمی داشت تعادل بهم میخورد و قسمت عمده از جنس اناث از وظیفه  
 تولید و تناسل باز میماند و رشته حیات نوع؛ بتدریج بضعف و کسستگی  
 منتهی میشود، در صورتیکه جنس ماده بر حسب فطرت، استعداد کمتری  
 دارد و غالباً با همان تلقیح اولی بار دار شده و از تماس های بعدی که  
 از نظر وظیفه طبیعی یک عمل بی حاصل و بلکه مضر هم میباشد امتناع  
 مینماید.

انسان نیز فطر تا از این قانون مستثنی نبوده و استعداد مرد بعمل  
 جنسی و تلقیح بسی بیشتر از زن میباشد و بگفته یکی از حکماء غرب:  
 اگر مردی را بمدت یک سال در میان یکصد نفر زن رها کنیم شانس  
 صد نوزاد در میان خواهد بود و برعکس اگر زنی را در میان صد نفر  
 مرد گرفتار سازیم با احتمال قوی حتی شانس یک نوزاد وجود نخواهد  
 داشت، چه هر یک از آنها اثر تلقیح دیگری را فاسد کرده و از هم  
 پاشیده میسازد.

#### اختلاف زن و مرد در استعداد تولید

با تصدیق باینکه هدف عالی خلقت از ترکیب غریزه جنسی

در فطرت بشر تکثیر نسل و بقاء نوع می باشد ، لازم است تفاوت میان طبیعت مرد و زن از جنبه استعداد ایجاد نسل در نکته های زیر اجمالاً مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد .

۱- اگر معدل عمر طبیعی بشر را هشتاد سال بگیریم و مبداء استعداد تناسل و مثلاً از دواج را پانزده سالگی حساب کنیم ، زنها جز در موارد نادر ، در سن پنجاه سالگی عقیم میگردند ، در صورتیکه اکثریت مردها تا پایان هشتاد سال ، قادر بایجاد نسل میباشند و یک رقم درشت سی سال را نباید نادیده انگاشت و این در صورتی است که مرد با زنی همسال و یا کوچک تر از خود از دواج بکنند و هر قدر سن زن بیشتر از مرد بوده باشد ، بهمان نسبت این فاصله افزایش خواهد یافت .

۲- حالت عمومی زنان ، در عادت ماهیانه که بطور متوسط در هر ماه هفت روز طول میکشد بطوریکه علم طب ثابت کرده و قرآن مجید به آن اشاره فرموده است ، از سلامتی منحرف گشته و آمادگی ندارند

يسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعترفوا له انما من انفساء في المحيض (۱)

و بدین قرار تقریباً یک چهارم از دوران استعداد زنها کسر میشود

۳- در مدت حمل بمعدل نه ماه رحم زن مشغول پرورش جنین بوده و نیز در ایام نفاس غالباً تا یک ماه بعد از وضع حمل جهازات تناسلی بحالت عادی بر نمیگردند و زن استعداد نسل جدید را نمیتواند داشت

(۱) در خصوص عادت زنان از تو سؤال میکنند ، بگو آن حالت یک

نوع بیماری است ، در این مدت از آنها کناره گیری کنید - سوره بقره

ومرد همچنان مستعد آن میباشد .

۴- اکثر زنها در دوران شیردادن بطفل که وظیفه طبیعی و مادری

آنهاست از عادت ماهیانه بازمانده و طبعاً باردار نمیتوانند شد (۱)

و اساساً در علم طب توضیح داده شده که تماس جنسی (در مورد

اکثریت زنان) جز در موقعیکه طبیعت تقاضای باردار شدن مینماید

و این حالت در آنها غالباً در اوائل ایام طهر پیدا میشود نسبت بزین

عمل تحمیلی بشمار میرود، و غیره امتناع چنانکه در مورد اناث حیوان

بدان اشاره کردیم در باطن امر محفوظ میباشد و لا تقر بوهن حتی

یطهرن و اگر در غیر آن حالت علاقه و موافقتی با تماس جنسی از خود نشان

میدهد تنها بعلل روحی و مقررات اجتماعی تفسیر و توجیه میگردد،

نه بمقتضیات فطری و طبیعی و غالباً زن بمنظور اینکه مرد را از توجه

بغیر خود باز داشته و موقعیت خویشتن را نزد او تثبیت بکند و یا

بحکم قوانین حقوقی خود را موظف به تمکین میداند با عمل جنسی

موافقت مینماید، در این صورت نیروی اضافی مرد را در چهارهی میتوان

صرف کرد تا منجر بفساد و مضرات فردی و اجتماعی نگردد و چگونه

باید تعدیل نمود که با موازین اخلاقی و انسانی وفق بدهد؟

تا اینجا مجعلاً تفاوت بین مرد و زن را تنها از جنبه خاصیت و

چگونگی فطرت بر رسی کردیم و حاصل جمع نشان داد که کفه ترازو

(۱) با تأمل در نکته های چهارگانه میتوان حدس زد که محدود

کردن تعدد زوجات در قانون اسلام بعدد چهار روی چه مبنی بوده و تا چه حد

مناسبی باشد.

بجانب مرد سنگینی میکند و اما از جنبه تعداد و کمیت بدون شك زنان بمقدار زیادی بر تری دارند، و اگر از احصائیه هائی که در غالب کشورها عدد زنان را افزون تر از مرد نشان میدهد چشم بیوشیم و فرض کنیم که در اصل خلقت و تکوین مساوی بوده و همه جادر برابر يك نفر زن يك نفر مرد بوجود آمده است، يك سلسله عوامل طبیعی و اجتماعی و اقتصادی نیز هست که این تعادل فرضی را در همه اعصار بهم میزند و میتواند آنها را بشرح زیر خلاصه نمود.

## کتابخانه فیضیه

عواملی که اختلاف را وسیع تر میکند

۱. مقاومت جسمی زنان در مقابل عوارض درد و بیماری، از مرد ها بیشتر است و این خاصیت متناسب با وظیفه طبیعی، با آنها داده شده بدین جهت میتوانند آلام بار داری و وضع حمل را تحمل بنمایند و مطابق آماري که گرفته شده است همه جا در بیماریهای ساری تلفات مرد ها بیشتر بوده است.

۲. در جنگ هائی که میان قبائل ملل در میگیرد و از خصائص مرد ها بشمار میرود و گاهی سالها و احیاناً قرن ها امتداد مییابد، عده زیادی از مرد ها از میان میروند، آمار تلفات درد و جنگ بین المللی معاصر که حداقل پنججاه ملیون نفوس طعمه آن شدند و فریب به نبود و پنجاه درصد آن مرد ها بودند بدین حقیقت گواهی میدهد.

۳. اعمال شاقه که بحکم طبیعت و مقررات اجتماعی بردوش مردان گذاشته شده است و میباید در اعماق زمین در تونل های تاریک و نمناک باستخراج معدن پرداخته و دم بدم در معرض خطرات آن قرار

بگیرند و در جنگل های مخوف بدنبال شکار افتاده و با حیوانات درنده ، دست و پنجه نرم کنند و در سطح زمین بزراعت گماشته شده و با حوادث جوی سرما و گرما و گردباد و صاعقه سروکار داشته باشند و در دریاها و گر دابه های سهمگین با طوفان ها و امواج درهم شکننده و جانوران آدم خوار دست بگریبان شوند و در کارخانه ها بادستگاههای خورد کننده میکانیکی و با آهن و آتش در کشاکش افتند و در کار تخریب ابنیه و تعمیر عمارات بلند بعملمگی اشتغال ورزیده و هر دم با خطر سقوط مواجه گردند عدد بیشتری بهلاکت میرسند .

۴ - عده ای از مردان ، نظر بمسئولیت فطری واجتماعی که از جهت سرپرستی و تکفل خانواده متوجه خود میدانند و میباید وسیله معیشت خود و آنها را بدست آورند بسا هست بواسطه تنگدستی و نبودن کار ، از ازدواج امتناع نموده و مجرد میمانند و در ملت هایی که دچار بحران اقتصادی میباشد این عده بحد زیادی فزونی مییابد

#### تعدد زوجات راه منحصراً بفرود حفظ توازن است

بدین علل توازن میان افراد مرد و زن مختل گشته و اگر بنا بر اختصاص هر فرد از مرد بیک نفر زن گذاشته شود میباید عده بیشتری از زنان وظیفه حیوی و فطری خودشانرا تعطیل کرده ، از حق طبیعی مادری محروم گردند و بعواقب وخیم آن از ابتلاء بامراض روحی و جسمی و نداشتن حامی و سرپرست، تن در دهند و یا در منجلاب فحشاء و سقوط غوطه ور گردند و مانند حیوان آزادانه با شباع غریزه جنسی بهر دازند .

شریعت اسلام راه حل این مشکل را با تجویز تعدد زوجات در حدود معین پیش بینی کرده و در این مورد نیز از قانون طبیعت پیروی نموده و آنرا با موازین اخلاقی منطبق ساخته است و چنانکه توضیح دادیم سنن کون و حیات شالوده آنرا قبلاً ریخته بوده و استعداد بیشتری بمردان داده است و میتواند با بیشتر از یک زن ازدواج کرده و بارعایت عدل و انصاف در فضای عفت و طهارت که شرط اساسی و انسانی تشکیل عائله است از آنها کفالت بنمایند

### تعدد زوجات در شرایع سابقه و ملل گذشته

باید دانست که تعدد زوجات از میتکرات دین اسلام نبوده، در تاریخ بشریت سابقه ممتدی دارد، در میان ملل مصر و ایران و روم قدیم کم و بیش رایج بود؛ و در قبائل عرب نیز بطور نامحدود شیوع داشت و در شرایع قبل از اسلام نیز بر سهیت شناخته شده بود، و تاریخ حالات جمعی از پیغمبران مانند حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و حضرت داود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام بدان گواهی میدهد.

در سفر خروج تورات، باب ۲۱ - آیه ۱۰ - ذکر شده (اگر زن دیگری بجهت خود بگیرد نفقه و کسوه و حق مضاجعت او را کم نکنند) در سفر توراة مشنی باب ۲۱ - آیه ۱۵ - گوید (اگر مردی را دوزن باشد یکی محبوبه و دیگری مبعوضه و هر دو محبوبه و مبعوضه فرزندان از برای او بزاین دو پسر زن - مبعوضه، اول زاده باشد، ۱۶ پس مقرر آنکه در روزی که پسران خود را وارث اموال خود میگردانند مختار نیست که پسران محبوبه را مقدم بر پسر مبعوضه اول زاده گرداند)

از این احکام بوضوح استفاده میشود که در شریعت تورات تعدد زوجات جائز و مورد عمل بوده است و اما انجیل اگر چه حکم طلاق را که در تورات بطور مطلق در اختیار مرد گذاشته شده است ، بصورت عدم عفت زن محدود نموده است ولی نسبت بتعدد زوجات ساکت بوده و هیچگونه قید و شرطی بدان نیفزوده است ، فلذا در اروپای مسیحی تا حوالی نیمه دوم قرن هشتم میلادی عهد شارلمان که خود اوزنان متعددی داشت ازدواج با بیشتر از یک زن ، بلامانع بود و در آن عهد بدستور کلیسیا تعدد زوجات ممنوع گردید ، شوهران موظف شدند یکی از زنان خود را بعنوان زن شرعی انتخاب کرده ؛ با دیگران بعنوان رفیقه خصوصی سر و کار داشته باشند و معلوم نیست کشیشان شریعت ساز ؛ در جعل این حکم چه مدركی داشته و بکدام يك از نصوص کتب مقدسشان متکی بوده اند و چگونه بزنان شرعی مردم عنوان رسوای (مترس) داده و تلویحاً عمل فحش را تجویز نموده اند در صورتیکه کتب مقدسه ایشان تعدد زوجات را جائز شمرده و فحش را بطور کلی ممنوع کرده است .

در تورات سفر خروج باب ۲۰ آیه ۱۳ آمده است (قتل مکن زنا منما )  
 و در سفر مثنی باب ۹ آیه ۱۷ گوید ( قتل مکن زنا مکن دزدی مکن و  
 بهمسایه خود گواهی دروغ مده و هم بزنا همسایه خود طمع مدار  
 و در سفر لویان باب ۲۰ آیه ۱۰ گفته است (و کسی که بازن غیر زنا کند  
 البته زانی و زانیه کشته شوند ) و در سفر مثنی باب ۲۲ آیه ۲۲ ذکر  
 شده ( اگر مردی بازن شوهر داری یافت شود که بخواید پس هر دو ایشان



مردی که با آن زن خوابید و آن زن بمیرند ( در انجیل متی باب ۵ آیه ۲۷ گوید ) شنیده‌اید بارباب زمان سلف گفته شده است که زنا ممکن ۲۸- لیکن من بشما میگویم هر کس که بزنی از روی خواهش نظر اندازد در همان دم در قلب خود با او زنا کرده است ۲۹- پس اگر چشم راست تو مرتر را بلغزاند قلش کن و از خویشش برافکن از این جهت که ترا سودمندتر آنست که یک عضو از اعضاء تو تباه شود و تمام جسدت در دوزخ افکنده نشود ) .

### رسواییهایی که منع تعدد زوجات اروپا ببار آورد ...

خلاصه از عهد شارلمان بعد ، اروپای مسیحی با نظر استنکاف و تنفر بتعدد زوجات نگر بسته، مرتکب را قابل تعقیب و مجازات دانست و در مقابل ، از عمل فحشاء و مترس بازی تجاهل نمود و بی بندوباری در تماس جنسی را عملاً تجویز کرده و بدلیخواه طرفین بالامانع شمرد و در نتیجه کار رسوائی بجائی کشیده شد که امروز از هر صد هزار نفر مرد اروپائی و امریکائی یک نفر نمیتوان یافت که در معاشرت جنسی بهمسر قانونی خود اکتفا کرده و با زنان دیگر اعم از بی شوهر و شوهر دار سرسری نداشته باشد .

عجب تر آنکه قبح کار را بکلی از نظر دور داشته و در آمارهایی که منتشر میسازند وقیحانه بدان اعتراف میکنند .

در سال ۱۹۵۰ تنها در انگلستان عدد موالید نامشروع به ۳۷ هزار بالغ گردید خانم مارگاریتا لاسکی رمان نویس مشهور انگلیسی سال ۱۹۵۵ اعتراف کرد : که شصت درصد زنان انگلیسی ، باشوهران

خود پیش از ازدواج شرعی در تماس! بوده اند و در میان دختران که سن آنها کمتر از بیست سال بوده این نسبت به هشتاد درصد رسیده است و نیز گفت سی درصد از زنان در حین عقد ازدواج آبستن بوده اند و این رقم در دختران کمتر از بیست ساله بچهل درصد فزونی یافته (۱)

### يك داستان از آثار منع تعداد زوجات

در کشور سوئد که میگویند در سطح عالی تمدن قرار گرفته است؛ واقعه ای رخ داد که مجله روز الیوسف در شماره (۱۴۰۹) تحت عنوان (آزادی روابط جنسی میان شاگردان مدارس، مورد تأیید مجلس وزراء نیز هست) چنین نقل میکند: معلم شرعیات یکی از مدارس مختلط گزارش داد و نفر از شاگردان دختر با و نفر از محصلین آن مدرسه سر و سری داشته و هر دو باردار میباشند و درخواست کرد هر چهار نفر از مدرسه اخراج شوند، ناظر مدرسه نه تنها با این تقاضا موافقت نکرد بلکه نمرة عالی انضباط و حسن سلوک بآنها داد! اختلاف نظر مدرس شرعیات و ناظر، در شورای مدرسین مطرح شده و با اتفاق کلمه ناظر را تأیید کردند! و گفتند مدرسه نمیتواند عملی را که در نظر جامعه قابل تعقیب نمیباشد مورد مؤاخذة قرار بدهد، بعلاوه مکرر روابط جنسی ضمن برنامه تحصیل بشاگردان تدریس نمیشود! معلم شرعیات برای شورای مدرسین قانع نشده و موضوع را بهیئت دولت گزارش داد و تقاضای اخراج شاگردان منحرف را نمود، مجلس وزرا تحت ریاست ولیعهد تشکیل یافته و طی اعلامیه رسمی شکایت معلم شرعیات را مردود ساخت و ناظر در این مرحله نیز تأیید شد. و گفت این شاگردان در

مواد تحصیل و انضباط بسیار خوب بوده و مادام که همگی با سعادت و کامیابی با یکدیگر زندگی میکنند کسی را نمیرسد آنها را حتی بازدواج مجبور بنماید (۱)

بناظر مدرسه ؛ شورای مدرسین ؛ هیئت دولت و جامعه متمدن ، باید صد آفرین خواند و یا تقرین کرد ، که بدستگیری همدگر ، انسان را از حد بهائیم نیز تمیز داده و نام آنها تمدن گذاشته اند .  
خبرهایی که از جامعه آمریکا و مخصوصاً از وضع مدارس آنسرزمین و روابط میان شاگردان ؛ همه ساله درجرا ئد ، منعکس میگردد بسی شرم آور تر و دردناک تر است ، و ما را بشرح آن نیازی نیست ، چه کوس رسوائی شان بر سر هر بازار بصدای در آمده است ، و هر ساله ها هزارمولود سرراهی که از مرحله اسقاط جنین در گذشته و چشم بروز کار باز کرده اند ، به پرورشگاهها تحویل داده میشوند .

نمیدانم جامعه از موجودی که نه سایه پدر بر سر دیده و نه در آغوش مادر آرمیده ، نه از کانون گرم و روشن خانواده بهره برده ، نه در فضای عطر آگین محبت و شفقت تنفس نموده ؛ نه از چشمه حیات احساسات روحی و عواطف انسانی جرعه نوشید و خلاصه بیک دستگاه میکانیکی فاقد روح و رحم ، شبیه تراست تا بیک آدم ؛ چه طرفی خواهد بست ؟ و آیا میتوان بوالدین آنها نیز جز با نظر به ماشین جوجه کشی نگریست ؟

فردی که عضو خانواده نبوده چگونه عضو اجتماع تواند بود؟

مگر نه خانواده‌ها واحدهای اجتماع بشري میباشند و میباید اجتماع خانواده، طفل را آماده ورود با اجتماع بزرگ بنماید.

مادران مصنوعی و حرفه‌ای پرور شگاهها و پرستاران مز دور هیچگاه نمیتوانند نقش مادر واقعی را بر عهده بگیرند و تنهادر آغوش مادر است، که هاله‌ای از نور مهر و محبت طفل را فرا گرفته و در میان موجی از احساسات رقیقه بشری که از روح و قلب مادر بر خواسته است غوطه ور میگردد و همین احساسات در آینه صاف ضمیر او نقش بسته و او را موجودی با وجدان و عواطف شریفه انسانی ببار می‌آورد. غرائز بشری اگر با موازین اخلاقی و تربیتی محدود نگردد سر بطفیان بر افراشته و هیچگاه اشباع نمیشود، شعله غضب وقتی زبانه کشید، خشک و تر را با هم میسوزاند، ازدهای حرص و طمع هر گاه دهان بگشاید دنیا را بکام خود کشیده و باز سیر نمیگردد، غول شهوت نیز اگر بدمستی آغاز کند پاک و ناپاک را لجن مال میسازد.

دنیای غرب آتش شهوت را با اختلاط بی بند و بار زن و مرد تحت عنوان آزادی و تساوی حقوق، آنچنان بر افروخته و میدان وسیعی در مدرسه و اداره و کارخانه‌ها وارد و گاهها و پارکها و پلاژها برای اشباع غریزه جنسی، باز کرده است که قریباً دنیا را در کام خود فرو خواهد برد.

بو الهوسان ما هم بتقلید، يك چنین زندگانی بد تراز مرگ و آلوده به ننگ را تدارک می بینند و در هر فرصتی که بدست می‌آورند ملت ما را یکی دو قدم بسوی پرتگاه می‌رانند.

## زنگهای خطر

در اوایل قرن بیستم عقلاء قوم در ممالک غرب، زنگ خطر اختلاط و تساوی را بصدا در آورده‌اند ولی مسئولین امور و اجتماع مریض هنوز بدان توجه نمی‌نمایند، بسال ۱۹۰۱ در کنفرانسی که دولت فرانسه جهت بررسی در وسائل جلوگیری از شیوع فسق و فجور منعقد ساخت، اعلام شد که تنها در يك ایالت فرانسه پنجاه هزار طفل بی صاحب و سرراهی جمع آوری شده است. (۱)

## چند نمونه از اعترافات بلزوم تعددازواج

روزنامه ( لندن تروت ) شماره ۲۰ آوریل ۱۹۰۱ مقاله ای بقلم يك خانم نویسنده، منتشر نمود و خلاصه آن چنین است: « دختران ولگرد و بدون سرپرست در جامعه ما زیاد شده‌اند و کمتر کسی بدین بالای خانمانسوز و موجبات آن می‌اندیشد. من که خود يك نفر زن هستم بحال این تیره بختان هم نوع خودم رقت کرده و نزدیک است قلبم بشکافد، ولی این تیره بختان، از تأثر خاطر من، فرضاً همه مردم نیز شریک غم و غصه من بوده باشند، چه سودی توانند برد؛ میباید راه حل عملی پیدا کرده و از این همه آلودگی‌شان نجات داد دانشمند عالی قدر تومس هم درد هم دواى شفا بخش آنرا خوب تشخیص داده است و باید تعدد زوجات قانوناً مجاز گردد؛ در اینصورت همه اینها صاحب خانه و زندگی شرافت مندانه می‌گردند و دیگر این همه اولاد نامشروع که موجب ننگ بوده وهم کل بر جامعه شده اند بوجود

نمی‌آیند، همه این گرفتاریها در اثر آنست که مرد ها از داشتن بیشتر از یک زن ممنوع شده اند، لذا عده مردها که با داشتن همسر؛ فرزندان غیر شرعی بیار می‌آورند بیرون از حد احصاست و زنها هم جهت کسب معاش بکوی و برزن افتاده و در معرض تجاوز قرار می‌گیرند و اگر همچنان دوش بدوش مرد بکار بیرون از خانه بپردازند؛ جامعه ما را بسقوط خواهند کشانید اصلاً چرا اجازه می‌دهید زن با مرد رقابت کند؟ آیا بخلقت و فطرت زن و مرد توجه ندارید و نمی‌بینید که طبیعت آنها را از همدیگر ممتاز ساخته و وظیفه هر کدام از آن‌ها را معین کرده است» (۱).

### کاخانه فیضیه

خانم دیگری بنام (میس آن رود) در شماره ۱۰ مه ۱۹۰۱ روزنامه (استرن میل) نوشت: دختران ما حتی اگر بعنوان خدمتکار در میان خانه زندگی می‌کردند ضررش کمتر از این می‌بود که در کارخانه‌ها، دوش بدوش مردان بکار گماشته بشوند و دامن عفت‌شان برای همیشه آلوده گردد، ایکاش مملکت ما هم مانند کشورهای مسلمان نشین بود، آنجا که فضای عفت و طهارت، همه، حتی کنیزان را در بر گرفته و مانند اولاد خانواده، با آن‌ها رفتار میشود، برای انگلستان چه اندازه شرم آور است که دخترانش در اختلاط با مردان، نمونه ردائل شمرده شوند.

راستی چرا در جامعه ما وضعی پیش نمی‌آورند که زنان مطابق فطرتشان بکارخانه داری پرداخته و کار مردن را بخود آن‌ها بسپارند؛ و بدین وسیله شرافت‌شان محفوظ بماند (۲).

خانم نویسنده مشهور (لادی کوک) در روزنامه (آلیکو) نوشت: مردها علاقه فراوانی باختلاط و معاشرت با زنهادارند. و زنان نیز خلاف بر فطریشان بنکار بیرون از خانه هوس کرده اند و بسوی آنها کشانده میشوند و بهر اندازه که دامنه اختلاط کشیده تر میشود بر عده فرزندان غیر شرعی و سرراهی افزوده میگردد، مردها پس از ارتکاب جنایت، بدنبال کار خود رفته و بیچاره زن را در میان سیل بلا تنها گذاشته و بدست فقر و سرگردانی و خواری و سپس مرگ میسپارند.

آری سنگینی حمل و سرگیجه و یار، اورا از کسب معاش باز داشته و بخاک سیاه فقر می نشاند وقتی کاری از او ساخته نشد، از همه جا رانده شده و سرگردان میماند و ننگ و رسوائی او را در نظر خویش و بیگانه خوار میسازد، آنگاه از تحمل این همه رنج ناتوان شده، دست بخود کشی زده و به آغوش مرگ پناه میبرد.

آیا وقت آن نرسیده است این همه بدبختیها را که جامعه و تمدن مغرب زمین را ننکین ساخته است از میان بر داریم و یا دست کم آنها را تقلیل بدهیم و از کشتار هزاران هزار اطفال بی گناه جلوگیری کنیم.

عجیب آنکه، همه گناه را بپای زن می نویسند، در صورتیکه این مردها هستند که از خوش باوری زنان سوء استفاده نموده و با افسانه و وعده های دروغ، آنها را افسون کرده و از راه بدر برده اند.

ای پدران و مادران، به آن چند شا هی پول و ثمن بخش که دخترانتان در اداره و کارخانه بدست می آورند غره نشوید و از سر نوشت

شومی که در انتظارشان است غفلت نکنید، بآنها یاد بدهید از مردان پرهیزند و از این کمین گاه مکر و فریب خویشتن را بیک سو بکشند، مگر نمی بینید اکثر مادرانی که فرزندان غیر شرعی به بار آورده اند؛ زنانی هستند که در محیط مختلط، همدوش با مردان کار میکنند و یا آنهایی که خود آرائی کرده، سر بکوی و خیابان می نهند، اگر پزشکان پا در میانی نکرده و عده بیشتری را بادوای سقط چنین از میان نمی بردند، عدد اولاد غیر شرعی بچند برابر امروز میرسید، و چه ننگی از این بالا تر (۱)

مستر جیرالد سیارو قاضی انگلیسی که ۲۳ سال در انگلستان و سیام بقضوت میپرداخت و عضو داد گاه بین المللی (بانلوك) بود در کتابی که بنام (سرزمین ماه و گل) تألیف کرده از زنان انگلیسی درخواست میکند که هووثی باخود قبول کنند و میگویند ما در عصری زندگانی میکنیم که ممکن نیست مرد بیک همسر اکتفا کند و دست کم بدو نوع زن نیازمند میباشد و درعین حال که بمادر فرزندان و رفیق همیشگی خود احتیاج دارد، بهمسر دیگری نیز محتاج است که بتواند بخیال و احساسات او تازه گی، بخشیده و روحش را همچنان تابناک نگاه داشته و نگذارد مرد بیک حیوان اهلی مبدل گردد، مردها همه بدین موضوع باطناً ایمان دارند ولی شجاعت آن را ندارند که این حقیقت را با زنان در میان بگذارند، زن جذابیت خود را در سن چهل سالگی از دست میدهد و مردها همچنان مستعد است و میتواند در یک زمان



دو همسر خود را خوش بخت بنماید بدون آنکه در احترام و محبت او نسبت به همسر اولی کاسته گردد (۱).

### قضاوت گوستاوو بون فرانسوی

«دکتر گوستاوو بون فرانسوی در کتاب تمدن اسلام و عرب

باب چهارم فصل علل و اسباب تعدد زوجات مینویسد..... در اروپا هیچیک از رسوم مشرق بقدر تعدد زوجات، بد معرفی نشده و درباره هیچ رسمی هم اینقدر نظر اروپا بخاطر گرفته است ...

... ولی تصور مزبور از جمله تصوراتیست که هیچ مدرک و اساسی

برای آن نیست، چنانچه خوانندگان این باب از اهل اروپا؛ برای مدت کمی تعصبات اروپائی را از خود دور کنند، تصدیق خواهند نمود که رسم تعدد زوجات، برای نظام اجتماعی شرق؛ یک رسم عمده - ایست که بوسیله آن، اقوامی که این رسم در میان آنها جاری است، روح اخلاقی ایشان، در ترقی و تعلقات و روابط خانوادگی قوی و پایدار مانده و بالاخره در نتیجه همین رسم است که در مشرق، اعزاز و اکرام زن هم بیش از اروپا است.

ما قبل از شروع باقائه دلیل و اثبات مدعای خود، از ذکر این مطلب ناچاریم: که رسم تعدد زوجات ابدأ مربوط باسلام نیست؛ چه قبل از اسلام هم رسم مذکور، در میان تمام اقوام شرقی از یهود؛ ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است ...

در مغرب هم باوجود اینکه آب و هوا و طبیعت هیچیک مقتضی

برای وجود چنین رسمی نیست؛ معذک رسم وحدت زوجات، رسمی است که ما آنرا فقط در کتابهای قانون می بینیم درج است و الا خیال نمیکنم بشود این را انکار کرد که در معاشرت واقعی مائثری از این رسم نیست. راستی من متحیرم و نمیدانم که تعدد زوجات مشروع مشرق از تعدد زوجات سالوسانه اهل مغرب، چه کمی دارند و چرا کمتر است، بلکه من میگویم که اولی؛ از هر حیث بهتر و شایسته تر از دومی نیست اهل مشرق، و قتیکه بلان معظمه مارا سیاحت میکنند؛ از این اعتراضات و حملات مانچار بهت و حیرت گردیده و متغیر میشوند.

باری رسم مذبور، بدو از اسباب طبیعی که در بالا گفتیم، پیداشده و بعد خیلی زود جزء قانون معاشرت قرار گرفت... اگر این اصل را مقبول کنیم که قانون بتدریج، تابع و پابند رسوم میشود، باید اینرا هم قبول نمود که تعدد زوجات غیر جایز و خارج از قانون اروپا که جزء معاشرت ماقرار گرفته، یکروز قانوناً جائز قرار داده میشود.»

البته شواهد فراوانی از نویسندگان و دانشمندان مغرب زمین در این زمینه است و ما تا آنجا که در حوصله یک مقاله بود و دردسترس داشتیم این چند مورد را ذکر کردیم، خوب است خانمهایی که بهوس تساوی مطلق، زن و مرد افتاده اند و بتقلید از دیگران تعدد زوجات و نکاح منتطع را بطور مطلق، محکوم نموده و بعنوان مسخره (حرم سرا) آنرا یادگار دوران وحشیت می شمارند بدین نوشته های هم نوع خودشان توجه نموده و در مقابل منطق فطرت و طبیعت بمغالطه و هوو جنجال نپردازند و رفتار ظالمانه و ناهنجار چند نفر بی خبر از هر دین و آئین و

مسلمانان ما را نسبت بزنان که جز سوء استفاده از قانون چیزی دیگری نمیتواند بود برخ قوانین و دستورات آسمانی اسلام نکشند و بوسه و افسون يك مشت مردم عیاش و بوالهوس و یا عملۀ استعمار که در این قبیل افکار و احساسات ریاکارانه با آنها هم آواز میشوند فریفته نگردند

### شرائط تعدد ازواج در اسلام

چنانکه گفتیم تعدد زوجات از مبتکرات اسلام نبوده و يك پدیده اجتماعی است که ریشه آن در عمق فطرت بشر استقرار یافته است و اسلام بتعدیل و تهذیب آن پرداخته و بشرط آنکه عدد از چهار تجاوز نکند و عدل و انصاف درباره آنها رعایت شود آنرا تجویز نموده است ، قرآن مجید میفرماید: فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتن ان لاتعدوا فواحدة (۱) و در آیه دیگر بصورت توضیح و تفسیر چنین فرموده است :

ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و او حرصتم فلا تمیلوا

كل المیل فنذر وها كالمعلقة (۲)

مضمون هر دو آیه بدین نحو خلاصه میشود از آن صنف زنان (که اصولاً نکاح آنها حلال میباشد) میتوانید دو و سه ، تا چهار نفر بهمسری خودتان انتخاب کنید بشرط آن که با همه آنها بعدل رفتار بنمائید و هر گاه چنین اطمینانی از خودتان ندارید و بیم آن میرود که عدالت را درباره آنها رعایت نکنید بهمان يك همسر اکتفا بنمائید و البته بعدل و

(۱) سوره النساء آیه ۳.

(۲) سوره النساء آیه ۱۲۹.

مساوات مطلق، در جهت احساسات قلبی و محبت باطنی قادر نخواهید بود چه، عواطف نفسانی در حیطه اختیار شما نیست و لکن نسبت بحقوق معاشرت اعم از جنبه مادی و اخلاقی باید شرط عدالت کاملاً رعایت شود و با همسری که طرف علاقه باطنی شما نیست طوری رفتار نکنید که در زندگانی زناشویی سرگردان شده نه زن شوهر دار و نه زن بیوه بشمار آید.

### کتابخانهٔ تشیعی

و در سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تفسیر و توضیح کافی در نحوه مراعات عدالت با زنان و جزئیات معاشرت با آنان وارد شده است که از حوصله این مقاله بیرون است و بتفصیل در کتب فقه و حقوق اسلامی مذکور می باشد.

با در نظر گرفتن مطالبی که توضیح دادیم چه نقصی در این دستور قرآن میتوان یافت و بر فرض آنکه در برخی موارد، امکاناً ضرری از آن متوجه افرادی بگردمانند همه قوانین اصولی، در مقابل مصلحت اکثریت قابل توجه نمی باشد و اساساً در کدام یک از احکام و قوانین ممکن است منفعت صد در صد همه اشخاص را تأمین نمود.

در صورتیکه اگر مردم اعم از مرد و زن، تربیت دینی بحد کافی که خود ضامن حسن جریان قوانین است داشته باشند و هوسها و احساسات آنی را بر مصالح ترجیح ندهند، مطلقاً ضرری در ناحیه قانون تعدد زوجات متوجه، کسی نخواهد شد و چنانکه مشاهده میشود از صدر اسلام بیعد در خانوادهائی که با تربیت دینی، بار آمده اند همسران متعدد و فرزندان آنها در حدود عدل و احترام بحقوق متقابل، با هم سازگار بوده

## گمانه فیضیه

و شرافت مندانه زندگانی کرده اند .

بدون شك تبلیغات تهمت آمیز که دنیای غرب از قرنهای پیش ، علیه تعدد زوجات برآه انداخته است ، از دشمنی دیرین و ریشه دار عالم مسیحیت نسبت باسلام واقتراهای ناروای کلیسیا سرچشمه گرفته است و فجایع حرمسراهای هارون الرشید و ملوک بنی عباس و شهوت رانیهای آل عثمان و دیگر در بارها را دانسته و ندانسته بیای اسلام نوشته اند و بدان می ماند که ما هم هرزگیهای لوی چهاردهم و لوی پانزدهم و امثال آنها را که عفونت آن فضای تاریخ اروپا و مخصوصاً فرانسه را فرا گرفته و یا بی بند و باری ملل مسیحی امروز را در عمل جنسی ، برخ تعالیم عالییه حضرت مسیح ﷺ بکشیم ، در صورتیکه آن بزرگوار تا چه حد اتباع خود را از این گناه شرم آور بر حذر میداشت .

اینکه میگیرند در نتیجه اباحه تعدد زوجات عده اطفال بدون سرپرست و ولگرد در ممالک اسلامی افزون شده است مبالغه ای بیش نیست ، چه تعدد زوجات از احکام واجبه اسلام نیست تا انتشار بیشتری پیدا کند و در میان هر صد نفر شاید يك نفر از آنها همسر متعدد داشته باشد و آنها هم جز افراد نادرستی ، خود را موظف بتکاهداری و پرستاری فرزندان خود دانسته و کل بر جامعه نمیکند و این حقیقت محسوس را نمیتوان انکار نمود .

تا زمانی که تمدن رسوای اروپا در ممالک اسلامی نفوذ نکرده بود ، حتی يك هزارم اطفال بدون سرپرست و اولاد نامشروع که در

کشور های اروپا اردو گاهها تشکیل داده اند پیدا نمیشد و این پرورشگاهها که در این عصر در کشور ما بوجود آمده است در نتیجه نفوذ همان تمدن و شیوع فحشاء بوده و يك قسمت آن هم در اثر فقر و تنگدستی میباشد و نباید آنرا بحساب تعدد زوجات گذاشت .

### حکمت تشریح نکاح منقطع

واز آنچه که توضیح دادیم بحکمت مشروعیت نکاح منقطع نیز روشن میشود زیرا بسا هست اشخاصی بواسطه تنگی دستی و یا علل دیگر متمکن از ازدواج دائم و تشکیل عائله نمیباشند و یا همسران شان ذاتاً و یا بعلت بیماری و موانع آمادگی ندارند و یا آنکه بمسافرت طولانی و دوری از خانه و زندگی خود ناچار میشوند و این غریزه مزاحم که همه جا با آنها هست ممکن است غالباً طغیان کرده و عنان اختیار را از کفشان برباید .

در این صورت امر دائر است میان اینکه ، بعصیان و آلودگی و عمل منافی عفت و اخلاق کشانده شوند و مقاسدی که ذکر شد بر آن مترتب کرده و یا با تحفظ بر موازین تقوی و طهارت ، با عقد نکاح و تعیین مهر و مدت بازنی ( که نکاح دائم با او صحیح بوده باشد ) بطور موقت ازدواج کنند و اگر احیاناً فرزندى هم بوجود آید بطور شرعى و رسمى فرزند پدر و مادر دار محسوب شده و مسئولیت کفالت او را بعهده داشته باشند و پس از انقضاء مدت ازدواج برای جلو گیری از اختلاط نسب و مفاسد آن ، زن تا دو نوبت قاعده زنانه ؛ از ازدواج جدید باغیر او ، حتماً خود داری بنماید ، و این عمل در نظر اسلام دومین نوع ازدواج رسمی

است چنانکه قرآن میفرماید: **فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنَ امْرَأَتِ الْوَاهِنِ آجُرِهِنَّ فَرِيضَةً (۱)** و تفصیل احکام و حدود و شرائط آن در سنت و کتب فقه شرح داده شده است و از بعضی روایات استنباط میشود که از این نوع ازدواج فقط، در صورت احتیاج و یا اشخاص غیر متمکن از ازدواج دائم میتوانند استفاده بکنند و از آنجمله حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به علی بن یقطین که شخصی سرشناس و دارای زن و زندگی بود فرمود:

**مأنت و ذاک و قد اغناک الله عنها (۲)** و به فتح بن یزید فرمود: **هی حلال مباح مطلق لمن لم یغنه الله بالتزویج فلیسته عتف بالتمتع فان استغنی بالتزویج فهی مباح له اذا غاب عنها (۳)** چنانکه در بعضی از روایات دیگر در مواردی که منافعی با حیثیت اجتماعی زن و یا مرد بوده باشد از آن نهی کرده اند و مطلقاً نباید موضوع بصورت حرص و شهوت رانی صرف درآید، چنانکه در حدیث نبوی وارد شده است **من رسول الله (ص)**

(۱) هر زنی را که بعقد متعه درآوردید حقوق او را حتماً بپردازید -

سورۃ نساء آیه ۲۴

(۲) تو را بامتعه چکار است در حالیکه خدا تو را از آن بی نیاز کرده

است .

(۳) نکاح متعه برای کسی مباح است که وسیله ازدواج دائم نداشته باشد

و در این صورت عفت خود را بدین نحو حفظ کند و اگر خدا بواسطه تمکن از

نکاح دائم او را از متعه بی نیاز کرد تنها موقعیکه از همسر خود دور افتاده است،

متعه برای او مباح خواهد بود.

### کل ذواق من الرجال وکل ذواقه من النساء (۱)

آفریدگار جهان انسان را نه فرشته آفرید؛ نه بهیمه و غرائز حیوانی و اخلاق ملکوتی را در وجود او توأمأً نمایش داده است و از طبایع و خواص مخلوق خود کاملاً آگاه بوده و خواسته است که انسان همه جا و در هر حال همچنان انسان بماند، لذا در شریعت اسلام خصایص مادی و روحی او را، باهم دیگر انطباق داده و مشکل جنسی را بدانسان که شرح داده شد حل کرده است و اگر مدعیان تمدن و پیروان آنها بصر فعناده و عصیت و یا جاهل و ضلالت، میخوانند آن را بحد بهیمیت حتی پائین تر تنزل بدهند ما را با آنها بحثی نیست، چه؛ کدام عاقل منصف در چنین شرائطی که ذکر شد عمل فحشا را بر نکاح منقطع ترجیح میدهد؟ آیادست کم، فساد ناشی از نکاح منقطع کمتر از فساد فحشا نمیباشد؟ و ارتکاب اهون الضررین و دفع افسد بفساد خود مگر قاعده منطقی و قانون عقلانی نیست؟

(۱) رسول اکرم (ص) مردان و زنان را که کارشان مزه چشیدن و تنوع

در شهوت پرستی است لعن فرمود. *مومنانی*

۱۰۵۰ ر. گیب مینویسد: دستور محمد ص که موقعیت

زن را بطور کلی بالا برد مقبولیت جهانی دارد

آئین محمدی. لندن ۱۹۵۳ ص ۴۴